



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

ISSN:2538-3795

Website: <http://ids.isri.ac.ir>

Volume : 1 ; Number : 2

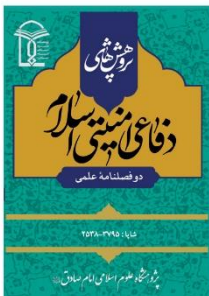
Analysis of Speech Acts in Imam Khomeini's Quranic Citations After the Islamic Revolution (With Emphasis on the Verses of War and Jihad)

Reza Mohammadi*, Ali Ghafrani**

<https://doi.org/10.22034/ids.2025.213976>

Received: 7/3/2024 - Accepted: 10/9/2024

(159-180)



Abstract

The present research attempts to analyze the speech acts in Imam Khomeini's Quranic citations, with emphasis on the verses of war and jihad, using a descriptive-analytical approach and employing both quantitative and qualitative methods. It seeks to answer the questions of what types of speech acts Imam Khomeini (RA) used based on John Searle's speech act model, and what results are obtained from analyzing the frequency and occurrence of these acts. The research findings indicate that the most frequent speech act in Imam Khomeini's (RA) citations of the Holy Quran is the persuasive act with the highest frequency of 41.66%, followed by the assertive act with 40.27%, and in the third rank, the commissive act with 12.5%, the expressive act with 4.16%, and finally, the declarative act with 1.38%, which has the lowest frequency among Imam Khomeini's (RA) speech acts. The research results indicate that considering the frequency of the persuasive act among Imam Khomeini's (RA) speech acts, it can be said that this indicates that the Imam (RA) tried to encourage the public and the elite to defend the homeland against the Ba'athist enemy. He also sought to explain the situation to the people during the important events that occurred after the revolution, and in other words, the most important event – the imposed war.

Keywords: Speech act theory, John Searle, Imam Khomeini (RA), Verses of war and jihad

*. Reza Mohammadi, Postdoctoral
Researcher, Department of History,
Arak University.

reza.muhammadi90@gmail.com

** Associate Professor, Department of
Iranian Studies, Bu-Ali Sina
University, Hamadan, Iran.
(Corresponding Author)
a.ghofrani@basu.ac.ir



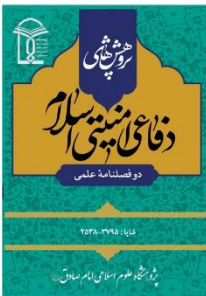
پژوهشگاه علوم اسلام صادق

پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دفاعی

ISSN: 2538-3795

شناسی پایگاه: <http://ids.isri.ac.ir>

سال اول: شماره دوم



تحلیل کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی امام خمینی علیه السلام پس از انقلاب اسلامی (با تأکید بر آیات جنگ و جهاد)

رضا محمدی*، علی غفرانی**

شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/ids.2025.213976>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۹
(۱۸۰-۱۵۹)

چکیده

پژوهش حاضر تلاش دارد تا با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از روش کمی و کیفی، کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی امام خمینی علیه السلام را با تأکید بر آیات جنگ و جهاد، تحلیل کند و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که بر مبنای الگوی کنش گفتار جان سرل، امام خمینی علیه السلام از چه گونه‌های کنش گفتاری استفاده کرده‌اند؟ و از تحلیل فراوانی و بسامد این کنش‌ها چه نتایجی حاصل می‌شود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین کنش گفتاری در استنادات امام خمینی علیه السلام به آیات قرآن کریم را، کنش ترغیبی با بیشترین فراوانی ۴۱/۶۶ درصد و پس از آن کنش گفتاری اظهاری با ۴۰/۲۷ درصد و در رتبه سوم کنش تعهدی با ۱۲/۵ درصد و کنش گفتاری عاطفی با ۴/۱۶ درصد و در نهایت کنش اعلامی با ۱/۳۸ درصد، کمترین فراوانی را در بین کنش‌های گفتاری امام خمینی علیه السلام به خود اختصاص داده‌اند. نتایج پژوهش حکایت از آن دارد که با توجه به فراوانی کنش ترغیبی در بین کنش‌های گفتاری امام خمینی علیه السلام، باید گفت که این امر نشان دهنده‌ی این است که امام علیه السلام سعی داشتند عوام و خواص را به دفاع از میهن در مقابل دشمن بعثی ترغیب نمایند. همچنین ایشان درصدد بودند تا در طی حوادث مهم پیش آمده پس از انقلاب و به عبارتی مهم‌ترین حادثه - جنگ تحمیلی، بیشتر به تشریح اوضاع برای مردم بپردازند. واژگان کلیدی: نظریه کنش گفتاری، جان سرل، امام خمینی علیه السلام، آیات جنگ و جهاد

* پست‌دکتری گروه تاریخ دانشگاه اراک، اراک، ایران، reza.muhammadi90@gmail.com
** دانشیار گروه ایران‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران (نویسنده مسئول)، a.ghofrani@basu.ac.ir

۱. بیان مسئله

انقلاب اسلامی ایران به دلیل برخورداری از اندیشه‌ها، آرمان‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های برگرفته از سنت‌های اسلامی، سرآغاز فرهنگ و تمدنی نوین شد و بروز جنگ تحمیلی، گام دومی در راستای تحولات انقلابی به شمار می‌رود. چراکه اندیشه حاکم در جنگ، حفظ انقلاب و پیشبرد اهداف آن، همه برگرفته از آیات و روایات اسلامی است و این بینش و روش به رغم گستردگی عرصه نبرد و کثرت دشمنان و پیچیدگی روزافزون جنگ و سلاح‌های جنگی، به خوبی توانست از کیان اسلامی و ملی دفاع کند. بدون تردید باید اذعان داشت که اندیشه و اقتدار معنوی حضرت امام خمینی علیه السلام، به عنوان فرمانده کل قوا، مهم‌ترین عامل هدایت‌گر این دفاع سرنوشت‌ساز و پیروز بود (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۳: ۱۲).

بازشناسی، تفسیر و تحلیل اندیشه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام و به ویژه اندیشه دفاعی ایشان، ضرورتی انکارناپذیر است و یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند ما را در فهم اندیشه دفاعی امام یاری دهد، استنادات قرآنی ایشان در مسائل مربوط به جنگ و جهاد است.

از این رو، این پژوهش در نظر دارد تا نظریه کنش‌گفتاری جان سرل را در جهت تحلیل استنادات قرآنی امام خمینی علیه السلام، با تأکید بر استنادات نظامی ایشان، به کار گیرد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی با تأکید بر استنادات امام خمینی علیه السلام به آیات قرآن کریم است که از کتاب صحیفه امام و کتاب ولایت فقیه (حکومت اسلامی) استخراج شده است.

پیشینه: علی‌رغم اهمیت موضوع کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی امام خمینی علیه السلام با تأکید بر آیات جنگ و جهاد، به نظر می‌رسد که این امر، مورد بررسی قرار نگرفته است. اما چند کتاب و مقاله یافت می‌شود که تا حدودی می‌تواند در ارتباط با این موضوع باشد. از جمله:

کتاب سیری در اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی علیه السلام از اسماعیل منصوری لاریجانی (۱۳۷۷) در اثر حاضر، نویسنده اندیشه‌ها و افکار دفاعی حضرت امام خمینی علیه السلام را تبیین و تحلیل نموده است.

کتاب «درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی (ع)» (۱۳۹۰) از نجف لک‌زایی کوشیده است بنیادی‌ترین مفاهیم و مباحث سیاسی را در نگاهی تطبیقی در قرآن کریم و امام خمینی (ع)، در پنج فصل مفصل بندی کند. کتاب مبانی قرآنی اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ع) از سیدرضا فقیهی (۱۳۹۳) به تبیین رابطه اندیشه‌های امام و آیات قرآن پرداخته و مولف محترم مباحث کتاب را در چهار بخش سازماندهی کرده است. مقاله «قرآن در اندیشه قرآنی امام خمینی (ع)» از سید عطاء‌اله افتخاری (۱۳۹۳) با روش توصیفی - تحلیلی به تبیین جایگاه قرآن در اندیشه تاریخی امام پرداخته است (افتخاری، ۱۳۹۳: ۱). مقاله‌ای از عبدالهادی فقهی‌زاده و یونس اشرفی‌امین با عنوان «جایگاه قرآن در اندیشه امام خمینی (ع)» (۱۳۹۴) به موارد و راهکارهای نظری و عملی مهجوریت‌زدایی از آموزه‌های قرآن کریم پرداخته است. پژوهش بعدی با عنوان «سیمای قرآن در اندیشه امام خمینی (ع)» از معصومه ریعان (۱۳۷۴) نیز اثری است توصیفی تحلیلی که به نقش تعیین‌کننده قرآن در زندگی حضرت امام (ع) پرداخته است. مقاله قرآن در اندیشه امام خمینی (ع) از سیدمحمدعلی ایازی (۱۳۹۲) نیز اثری است توصیفی تحلیلی که به نگرش امام خمینی به قرآن پرداخته است. مقاله رویکرد امام خمینی در تفسیر سیاسی قرآن کریم از علی سروش (۱۳۹۹: ۷) که هدف این پژوهش ارائه رویکرد تفسیر سیاسی امام خمینی، به مثابه یک رویکرد تفسیری اثربخش در تحولات سیاسی جهان اسلام بوده است. مقاله معرفت‌شناسی؛ چارچوبی برای فهم اندیشه سیاسی امام خمینی (ع) از عبدالله بیننده و دیگران (۱۳۹۸: ۵۱) این پژوهش نشان داد که میان اندیشه سیاسی امام خمینی و مبنای معرفتی ایشان، نسبت ابتنایی (مطابقت) وجود داشته و این ابتناء به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم برقرار بوده است. دو ابزار عقل و وحی، بیشترین تأثیر را بر اندیشه سیاسی امام خمینی داشته‌اند. مقاله جایگاه قرآن در روش‌شناسی تولید علوم انسانی متعالی با تأکید بر اندیشه امام خمینی از رضا لک‌زایی (۱۳۹۷: ۷) که به بررسی استفاده از قرآن در تولید علوم انسانی متعالی از منظر امام خمینی اقدام نموده است. اما تفاوت پژوهش حاضر با آثار مورد اشاره در روش پژوهش و نتایج بدست آمده در مقاله است.

۲. نظریه کنش‌گفتاری جان سرل

کنش‌گفتاری از اصطلاح‌های زبان‌شناختی است و در فلسفه‌ی زبان به دانشی اطلاق می‌شود که گفته‌ای به عمد بیان گردد، به قصد این که جریان یا کنشی راه بیافتد (توبه‌یانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۴) این نظریه را نخستین بار به عنوان یک نظریه فلسفی، جان آستین فیلسوف تحلیلی و استاد کرسی فلسفه اخلاق دانشگاه آکسفورد عرضه کرد و در واقع نظریه‌ای است درباره تحلیل و طبقه‌بندی و تبیین ساختار منطقی افعال گفتاری. به عبارت دیگر نظریه افعال گفتاری عبارت است از تحلیل و طبقه‌بندی و تبیین ساختار منطقی اظهارات زبانی، از آن جهت که فعل ارادی و قصدی انسان است. هدف این نظریه ارائه تحلیل جامع از نحوه ارتباط زبان با عالم خارج است و در نهایت به این پرسش اساسی در حوزه فلسفه زبان پاسخ می‌گوید که چگونه می‌توان از یک سلسله پدیده‌های طبیعی نه چندان پیچیده، همچون خروج اصوات از دهان، یا ایجاد نشانه‌ها بر کاغذ، به یک سلسله اوصاف معناشناختی عجیب چون: معناداری، بی‌معنایی، صدق، حکایت، حمل و ارتباط با عالم خارج دست‌یافت (عابدینی، ۱۳۹۹: ۴۷).

جان سرل یکی از فیلسوفان سرشناس معاصر در عرصه فلسفه ذهن و زبان است. سرل به اقتضای تعالیمی که در آکسفورد زیر نظر فیلسوفان زبان دیده بود، مطالعات خود را معطوف به مباحث فلسفی زبان، به ویژه رابطه زبان و ذهن کرد و در سال ۱۹۶۹ مهم‌ترین کتاب خود را با عنوان افعال گفتاری منتشر کرد. سرل در این کتاب تبیین جامع و نظام‌مندی از نظریه افعال گفتاری به دست داد و روشن ساخت که نظریه یادشده به کدام حوزه معرفتی تعلق دارد و برای اثبات مدعیات خود از چه روشی بهره می‌برد. مبادی و مبانی آن چیست و چه لوازم و نتایجی را می‌توان از آن استخراج کرد (عبداللهی، ۱۳۸۴: ۹۸-۹۹). مدعای اصلی نظریه افعال گفتاری این است که تحلیل ارتباط زبانی بدون توجه به این که سخن گفتن نوعی فعل قاعده‌مند است، ممکن نیست. سرل نکته مذکور را چنین توضیح داده است: واحد ارتباط زبانی آن گونه که عموماً فرض شده، نشانه، واژه، یا جمله یا حتی مصداق نشانه، واژه یا جمله نیست، بلکه ایجاد یا صدور نشانه یا واژه یا جمله در انجام فعل گفتاری است. تلقی یک مصداق به عنوان یک پیام، تلقی آن به عنوان مصداقی ایجادشده یا صدور یافته است. به بیان دقیق‌تر، ایجاد یا

صدور مصداق جمله تحت شرایط خاص یک فعل گفتاری است و افعال گفتاری واحدهای بنیادین یا کوچک‌ترین واحدهای ارتباط زبانی اند. پایه تحلیل در نظریه افعال گفتاری، فعل نهفته در سخن است و مراد از آن، فعلی است که در ضمن و در حین استعمال الفاظ صورت می‌گیرد. فعل نهفته در سخن نیز خود دارای دو مؤلفه است: ۱. بار نهفته در سخن (بار محتوایی جمله) که مشخص کننده نوع فعل نهفته در سخن است. امر، نهی و پوزش همه فعل نهفته در سخن اند و تفاوت آن‌ها در نوعشان است. ۲. محتوای قضیه‌ای که بار نهفته در سخن به آن تعلق می‌گیرد (عابدینی، ۱۳۹۹: ۴۹). آنچه در خصوص طبقه بندی افعال زبانی مهم است، افعال مضمون در سخن می‌باشد. این اصطلاح مهم‌ترین اصطلاحی است که در نظریه افعال گفتاری به کار می‌رود. در حقیقت می‌توان گفت نظریه افعال گفتاری تحلیل معنا و بیان شرایط و قواعد همین اصطلاح است (سرل، ۱۳۸۷: ۱۲۰). سرل کنش گفتار را واحد پایه معنا قلمداد می‌کند و آن را به پنج دسته تقسیم می‌کند: کنش اظهاری، کنش ترغیبی (انشایی)، کنش تعهدی، کنش عاطفی و کنش اعلامی.

کنش اظهاری: در این کنش گفتارها، گوینده عقیده خود را درباره صحت و سقم مطلبی اظهار می‌دارد (صفوی، ۱۳۸۷، ۱۷۷).

کنش تحریکی یا ترغیبی: هدف از کنش گفتاری ترغیبی، ترغیب مخاطب برای انجام کاری و قرار دادن وی در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی است.

کنش التزامی یا تعهدی: هدف و نکته اصلی در این کنش گفتار آن است که گوینده با اظهار جمله، خود را (با درجات متفاوت) برای انجام دادن عملی در آینده متعهد می‌کند.

کنش ابرازی یا عاطفی: کنش‌هایی هستند که در آن‌ها حالت روحی و روانی و احساسات گوینده بیان می‌شود. گوینده احساس خود را از طریق قدردانی کردن، تشکر کردن، عذرخواهی کردن، تبریک گفتن، ناسزا گفتن و مانند آن بیان می‌دارد.

کنش اعلامی یا اعلانی: کنش گفتار اعلامی، اعلام شرایط تازه برای مخاطب است. گوینده با اعلام‌های خود تغییرات جدید را ایجاد می‌نماید. این کنش بر انطباق زبان و جهان خارج استوار است و زمانی اتفاق می‌افتد که گوینده قدرت و صلاحیت بیان اتفاقات جدید را داشته باشد (عابدینی، ۱۳۹۹: ۵۲ - ۵۳).

۲-۱. بافت و زمینه تاریخی و کنش‌های گفتاری مستقیم و غیرمستقیم

یک کنش گفتار به وسیله مجموعه واژگان معین در یک بافت معین شکل می‌گیرد. نوع واژگان و بافت مورد نیاز نیز بر اساس قراردادهای زبانی و اجتماعی موجود میان کاربران زبان تعیین می‌شود. به طور مثال تفاوت میان کنش قول دادن و یا سوگند خوردن با مثلاً کنش عقد کردن در حالت پیشینی و پسینی حاکم بر گفتن پاره‌گفتارهای هریک از این کنش‌هاست. اگر کسی پاره‌گفتار حاوی «من قول می‌دهم» و یا «من سوگند می‌خورم» را به زبان آورد، این پاره‌گفتار خود حاوی کنش قول دادن و سوگند خوردن است. به عبارت دیگر، انجام کنش گفتن، مساوی است با کنش قول دادن و سوگند خوردن. درحالی‌که در کنش عقد کردن معمولاً صرف گفتن واژگان افاده کنش مورد نظر را نمی‌کند؛ بلکه در اینجا کنش گفتن باید همراه با یکسری شرایط مقتضی برای تحقق کنش‌ها باشد. به عنوان نمونه، گوینده این واژگان باید دارای یک جایگاه دینی - اجتماعی ویژه باشد، مخاطب این واژگان نیز اولاً باید دو نفر باشند و ثانیاً یکی مرد و دیگری زن باشد و ثالثاً به لحاظ جایگاه حقوقی و اجتماعی شرایط مقتضی برای ورود به این مخاطبه را داشته باشند. این شرایط مقتضی در مجموع باید در بافت یا موقعیت مخاطبه وجود داشته باشد. با این مثال می‌توان به اهمیت بافت موقعیتی حاکم بر شکل‌گیری پی برد. (صانعی پور، ۱۳۹۰: ۲۹) در این رویکرد هر یک از متکلم و مخاطب با مجموعه دانایی‌ها، باورها و پندارهای خود درباره: ۱- عناصر زمان، مکان و اجتماع؛ ۲- کنش‌های پیشینی، پسینی و در حال اجرا؛ ۳- آگاهی از نقش و جایگاه متکلم و مخاطب؛ ۴- آگاهی از موقعیت زمانی و مکانی مخاطبه، نوع و هویت رسانه و... روی هم بافت را تشکیل می‌دهند (همان: ۶۵). در این پژوهش ما با دو سطح از بافت و زمینه تاریخی روبرو هستیم. از یک سو بافتی که آیه در آن نازل شده است و به شأن نزول آیه اشاره دارد و اینکه در چه زمان و مکانی و برای کدام مخاطب و... نازل شده است. از سوی دیگر و در سطح دوم، بافت و زمینه تاریخی آیه‌ای که به آن استناد شده است و باید به هر دو این موارد اشاره کرد.

مقوله دیگر مربوط به کنش‌های گفتاری مستقیم و غیرمستقیم است که از مهم‌ترین بخش‌های تئوری کنش گفتاری محسوب می‌شود. هرگاه رابطه‌ای مستقیم بین ساختار نحوی - معنایی و نقش آن وجود داشته باشد، آنرا کارگفت مستقیم گویند و هرگاه رابطه‌ای

غیرمستقیم میان ساختار نحوی- معنایی پاره گفتار و کارکرد و نقش آن وجود نداشته باشد، آن را کنش گفتار غیرمستقیم قلمداد می‌کنند (احمدی نرگسه و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۶). در کنش گفتاری غیرمستقیم، گوینده جمله‌ای را بیان می‌کند که علاوه بر محتوای ظاهری، از محتوای دیگری نیز برخوردار است. به نظر جان سرل، هنگامی که از گفتارهای غیرمستقیم استفاده می‌کنیم، کلام ما کاربرد تحت اللفظی خود را حفظ می‌کند و منظور اصلی گوینده از طریق یک سری استدلال‌های منطقی درک می‌شود. این استدلال بر مبنای پیش‌زمینه‌های دانش زبانی و یا غیرزبانی مخاطب صورت می‌گیرند که از آن جمله می‌توان به دانستن آداب گفتاری اشاره کرد (دست‌آموز و محمدی، ۱۳۹۵: ۴۳). در نتیجه، کنش‌های گفتاری که مانند جملات هستند، ممکن است به عنوان درخواست عمل کنند و کنش‌های گفتاری که مانند اعلان‌ها هستند، ممکن است مانند یک هشدار یا تهدید عمل کنند. در کنش‌های گفتار غیرمستقیم گویندگان، کنش گفتار (کنش اولیه) را توسط کنش گفتار دیگر (کنش ثانویه) اعمال می‌کنند. به طور مثال آیه «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران: ۱۷۳) از گونه کنش‌های اظهاری است. اما مخاطب را به عمل کردن ترغیب می‌کند. این آیه در واقعه جنگ احد نازل گردید (قرشی، ۱۳۸۳: ۷۲).

۳. کنش‌های گفتاری آیات جنگ و جهاد مورد استناد امام خمینی

از مهم‌ترین گونه‌های آیتی که امام به آنها استناد داشتند، آیات مربوط به جنگ و جهاد بود. امام از پیش از انقلاب به آیات جهاد تأکید داشتند؛ چرا که یکی از لوازم تشکیل جامعه اسلامی، حفظ این جامعه از حمله دشمنان داخلی و خارجی است.

امر جهاد به زمان پیامبر و پس از هجرت ایشان به مدینه و در رویارویی با مشرکان مکه باز می‌گردد. اما اینکه کدام آیات بر ایشان نازل گردید و اینکه دقیقاً در چه زمانی بود، به طور دقیق مشخص نیست. به طور مثال ابن هشام می‌گوید: «درست در اوائل ماه صفر یعنی دوازدهمین ماه ورود او بمدینه بود که طبق دستوری که از جانب خدای تعالی رسید، با جمعی از مهاجرین برای جنگ با مشرکین از شهر مدینه خارج شد» (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱/۳۹۲). اما واقدی در کتاب المغازی بدون ذکر زمان شروع نبرد، نخستین گروه مجاهد در راه

اسلام را به فرماندهی حمزة بن عبدالمطلب می‌داند (واقعی، ۱۳۶۹: ۶). اما کتاب دلایل النبوه بیهقی آیه ۳۹ سوره حج را آیه ابتدایی جهاد می‌داند. «سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده که نخستین آیه‌ای که در مورد جنگ نازل شده، آیه ۳۹ سوره حج است (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۰۴/۲؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۴۰۳/۱). به نظر می‌رسد سخن بیهقی درست است که می‌گوید: مسلمانان در ابتدا اجازه نداشتند با همه کافران جنگ کنند و یا ایشان جنگ را آغاز نمایند؛ بلکه فقط مأمور بودند با کسانی جنگ کنند که به جنگ ایشان می‌آمدند و یا با کسانی که با ایشان درگیری پیدا می‌کردند و آنها نسبت به مسلمانان ظلم می‌کردند و یا در اخراج ایشان از سرزمین‌های خود دست داشتند (بیهقی ۱۳۶۱: ۲۰۷/۲). در نتیجه حکم جهاد که قبلاً واجب نبود- بلکه مباح بود- واجب گردید و این آیات نازل شد.

در دوره معاصر، احکام دفاع ملی درباره حفظ نظام اسلامی و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلام است و بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد. مثلاً این حکم: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» که امر به تهیه و تدارک هر چه بیشتر نیروی مسلح و دفاعی به طور کلی است؛ و امر به آماده باش و مراقبت همیشگی در دوره صلح و آرامش. (خمینی رحمته، بی تا: ۳۳). همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، آیه ۶۰ سوره انفال، از گونه آیات ترغیبی به شمار می‌آید و مخاطب را به آماده کردن ادوات جنگی در مقابل دشمن ترغیب می‌کند. هدف از افزایش قدرت جنگی در این آیه، لزوم آمادگی رزمی کافی در برابر دشمنان است که به عنوان يك اصل حیاتی در هر عصر و زمان باید مورد توجه مسلمانان باشد. تعبیر آیه به قدری وسیع است که بر هر عصر و زمان و مکانی کاملاً تطبیق می‌کند. سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوایان بزرگ اسلام نیز نشان می‌دهد که آنها از مقابله با دشمن غفلت نمی‌کردند، در تهیه سلاح و نفرات، تقویت روحیه سربازان، انتخاب محل اردوگاه، و انتخاب زمان مناسب برای حمله به دشمن و به کار بستن هرگونه تاکتیک جنگی، هیچ مطلب کوچک و بزرگی را از نظر دور نمی‌داشتند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۶۵/۲).

از جمله استنادات مهم امام علیه السلام در زمینه جنگ، اشاره به آیه ۳۶ سوره توبه است که تعداد ماه‌های حرام را معرفی کرده است. ماه‌های حرام عبارت است از: رجب، ذی القعدة، ذی الحجة و محرم. در این چهار ماه جنگ نیز کنار گذاشته می‌شود. یکی از ثمرات این

کرد، آنگاه بدان زمان که (گروهی) وی را می‌کشتند، شما در قتلش دست داشتید. ای امیرمؤمنان، با آنکه ما به برتری و سابقه تو در اسلام و هجرت آگاهیم، نمی‌دانستیم شما راه درست رفتید، یا خطا کردید؟ علی گفت: «آیا نمی‌دانستید که خدای عزوجل به شما فرموده است که امر به معروف و نهی از منکر کنید... (نصر ابن مزاحم منقروی، ۱۳۷۰: ۷۶۵)

بافت دوم این آیه در دوره امام خمینی علیه السلام به جنگ تحمیلی بازمی‌گردد. پس از گذشت پنج روز از حمله گسترده عراق به ایران، وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به پیشنهاد اندونزی و لیبی در تاریخ ۵۹/۷/۴ به منظور بررسی جنگ ایران و عراق در نیویورک تشکیل دادند. در این اجلاس ضمن بررسی جنگ، تصمیم گرفتند کمیته‌ای به نام صلح اسلامی تشکیل داده، آنرا مامور میانجیگری بین ایران و عراق برای پایان دادن به جنگ بنمایند (ولایتی، ۱۳۸۱: ۷۹-۹۰). هیات مذکور یک ماه بعد به ریاست حبیب شطی، دبیر کل کنفرانس اسلامی، به ایران آمد و با امام دیدار کرد. در این دیدار امام به وی گفت: «الآن جنگ در ایران است و این خود دلیل بر تهاجم آنها بر ماست و اگر ما مهاجم بودیم در عراق بودیم. بدون هیچ سابقه و بدون هیچ دلیلی با پایمال کردن تمام مواضع بین‌المللی، صدام اقدام به هجوم به ایران کرد. آن هم با اسلحه‌هایی که آن‌طور که اشخاص مطلع به من توضیح داده‌اند، از اسلحه‌هایی است که تا کنون اسرائیل استفاده نکرده است و ایشان استفاده کرده است و بسیاری از پیرمردها و جوان‌ها و کودکان ما را کشته و بسیاری از مخازن ما را خراب کرده است. البته هر کس این چنین جنایاتی بکند و شهرها و روستاهای ما را بگیرد، آرزو می‌کند آتش بس برقرار باشد. او خورده است و برده است و ظلم کرده است و ما خسارات را بدون جهت دیده‌ایم. این امری است که این‌طور امکان ندارد. دولت‌ها اگر می‌خواهند عملی بکنند و صلح و صفا باشد، باید با آن کسی که مهاجم بوده است و هجوم کرده است به یک مملکت اسلامی - فرضاً - اگر مسلم هم باشد - باید دولت‌هایی که می‌خواهند صلح و صفا برقرار بشود، با او قتال کنند، تا اینکه برگردد به امر خدا. (خمینی علیه السلام)

۱۳۸۹: ۱۳/۲۸۲-۲۷۶؛ ۱۶/۸۸)

از دیگر آیات مهمی که در زمینه مسائل جنگ و جهاد مورد استناد امام قرار گرفت، آیات مربوط به شهادت است. مثل آیه ۱۶۹ سوره آل عمران. کنش‌های گفتاری این آیه به صورت

ترغیبی - اظهاری در کنش مستقیم و ترغیبی - اعلامی به صورت غیر مستقیم است. بافت تاریخی این آیه به جنگ احد بازمی‌گردد. ابن عباس از عمر بن خطاب نقل کرده که جنگ احد یک سال بعد از جنگ بدر رخ داد و هفتاد تن از مسلمانان کشته شدند و اصحاب پیغمبر ﷺ گریختند و دندان پیغمبر ﷺ شکست و مغفر بر سرش خرد شد. و خون بر صورتش جاری گردید و آیه ۱۶۹ سوره آل عمران در همین جنگ نازل گردید. برخی مفسران برآنند که درباره شهیدان بتر معونه است و قصه آن مشهور است و محمد بن اسحاق بن یسار در مغازی آورده، و بعضی گویند آشنایان شهداء چون بر سرور و نعمتی دست می‌یافتند، با حسرت می‌گفتند: ما کامیاب و شادمانیم اما پدران و برادران ما در گورند. آیه در تسلی ایشان نازل شد و از حال شهداء خبر داد (ذکواتی قراگزلو، ۱۳۸۳: ۷۱). اما مضمون و محتوای این آیه تعمیم دارد و همه شهدا حتی شهدای بدر را که چهارده نفر بودند، شامل می‌شود و در آن مقام شامخ و بلند شهیدان را یاد کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱/ ۳۴۸). از این بیان، دو نکته روشن می‌شود، یکی اینکه، کشته‌شدگان در راه خدا از وضع مؤمنین برجسته که هنوز در دنیا باقی مانده‌اند، خبر دارند. دوم اینکه منظور از این بشارت، همان ثواب اعمال مؤمنین است که عبارت است از نداشتن خوف و نداشتن اندوه و این بشارت به ایشان دست نمی‌دهد مگر با مشاهده ثواب نامبرده در آن عالمی که هستند، نه اینکه خواسته باشند با موفق شدن به شهادت، استدلال کنند بر اینکه در قیامت خوف و اندوهی نخواهند داشت، چون آیه در مقام این است که بفرماید پاداش خود را می‌گیرند، نه اینکه بعد از شهادت تازه استدلال می‌کنند که در قیامت چنین و چنان خواهیم بود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/ ۹۴).

امام خمینی ﷺ چهار بار به این آیه استناد کردند (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۴/ ۲۵۸ - ۱۸/ ۳۲۵ - ۲۰/ ۱۰۱ -؛ ۱۷/ ۱۳۵) در بخشی از سخنان امام درباره شهدای جنگ تحمیلی است که می‌فرمایند: آنها باقی هستند و برای شما شرافت تحصیل کرده‌اند و نه فرحناک باشید برای چیزهایی که به دست می‌آید از دنیا؛ برای آنکه آنچه از دنیاست فانی است و آنچه برای خدا تقدیم می‌شود، باقی و ابدی است. و این شهدا زنده هستند و در پیش خدای تبارک و تعالی: عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، و خدای تبارک و تعالی آنها را پذیرفته است و می‌پذیرد و ماها عقب ماندیم (همان: ۱۴/ ۲۵۸).

آیه بعدی که مورد استناد امام قرار گرفت، بخشی از آیه ۳۶ سوره توبه است. این آیه، اشاره به ماه‌های حرام دارد و جزء آیات حکمی و از گونه کنش‌های ترغیبی در ظاهر و ترغیبی-اعلامی در باطن است. در این سوره بحث‌های مشروعی پیرامون جنگ با مشرکان آمده است. در این آیه و آیه بعد اشاره به یکی از مقررات جنگ و جهاد اسلامی شده و آن احترام به ماه‌های حرام است. از پاره‌ای روایات استفاده می‌شود که تحریم جنگ در این چهار ماه علاوه بر آیین ابراهیم در آیین یهود و مسیح و سایر آیینهای آسمانی نیز بوده است. ولی از آنجا که ممکن بود تحریم جهاد در این چهار ماه وسیله‌ای برای سوء استفاده دشمنان بشود و آنها را در حمله کردن به مسلمین جسور کند، در جمله بعد اضافه می‌کند: «با مشرکان بطور دسته جمعی پیکار کنید همان گونه که آنها متفقاً با شما می‌جنگند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۲۰۱/۲).

امام سه بار این آیه استناد داشته است (خمینی، ۱۳۸۹: ۸/۲۹۲ - ۴۵۷؛ ۱۳/۲۶۰). امام در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۵۹/۲۸ ذی القعدة ۱۴۰۰، یک سخنرانی با محوریت حکومت صدام داشتند و به این آیه استناد کردند. در این سخنرانی به آیه وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً اشاره کردند و به جوانان انقلابی عراقی گوشزد نمودند که خداوند با شماست و شما پیروز هستید و این حکومت رفتنی است (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۳/۲۶۰).

یکی از مهم‌ترین آیات مورد استناد امام خمینی، آیه ۴ سوره الصف می‌باشد. نوع کنش‌گفتاری این آیه، عاطفی- اظهاری به شمار می‌رود. اما کنش غیرمستقیم آن ترغیبی است. این آیه چهار بار توسط امام در وقایع پس از انقلاب مورد استناد قرار گرفته است (همان: ۲۴۰/۶؛ ۱۶۱/۷؛ ۱۶/۱۴۹؛ ۲۰/۳۹۰). بافت تاریخی این آیه، خطاب به علی (ع) و حمزه و عبیده بن الحرت و سهل بن حنیف و حارث بن ابی دجانة الانصاری است (بحرانی، ۱۴۱۶: ۵/۳۶۳). همچنین ابن عباس نقل کرده که حضرت علی (ع) چون در صف قتال قیام می‌نمود، مانند دیوار متین و جدار مستحکم بود و این آیه در حق آن حضرت نازل شد (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۳/۱۴۵).

امام در پیام به فرماندهان نظامی (تجلیل از رشادت‌های رزمندگان در عملیات فتح المبین) که در تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۶۱/۴ جمادی الثانی ۱۴۰۲ ایراد فرمودند، به این آیه استناد داشتند. (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۶/۱۴۹).

شدت و بی‌رحمی نسبت به کفار، باعث می‌شود تا مسلمانان به طور کلی و حتی نسبت به خودشان هم سنگدل شوند و این دو جمله مجموعاً افاده می‌کند که سیره مؤمنین با کفار شدت و با مؤمنین رحمت است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸/۴۴۶). در مجمع البیان آمده است که حسن بصری گوید: «شدت مؤمنین بجایی رسیده بود که حتی از لباس مشرکین دوری می‌جستند که به لباس آنان نچسبد، و نیز بدن‌های خود را از بدن‌های آنان دور می‌گرفتند تا به بدن آنان تماس پیدا نکند و مهربانی آنان در بین یکدیگر بجایی رسیده بود که هیچ مؤمنی برادر دینی خود را نمی‌دید مگر آنکه با او روبوسی کرده، دست می‌داد» (طبرسی، ۱۳۶۰: ۲۳/۱۷۶).

«فَأَسْتَقِيمُ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» بخشی از آیه ۱۱۲ سوره هود و «وَأَسْتَقِيمُ كَمَا أُمِرْتُ» بخشی از آیه ۱۵ سوره شوری است. نوع کنش گفتاری این آیه ترغیبی - اظهاری بوده و کنش گفتاری غیرمستقیم آن ترغیبی است. امام ۱۴ بار به این آیه استناد داشتند (خمینی، ۱۳۸۹: ۷/۲۴۴ و ۴۹۳ و ۴۹۴؛ ۹/۴۷۸ و ۴۷۹؛ ۱۳/۴۶۲ و ۴۶۵؛ ۱۶/۳۰۰ و ۵۰۷؛ ۱۷/۴۹۲ و ۴۹۷؛ ۱۸/۲۵۴ و ۴۳۷؛ ۱۹/۱۹۴).

در قرآن مؤمنان به طور اخص و مسلمانان به طور اعم به پایداری و استقامت در برابر دشمن توصیه شده‌اند (انفال: ۴۵). امام علی علیه السلام، صبر و استقامت در نبرد را با استناد به آیات ۹۶ سوره نحل، ۱۵۳ سوره بقره، ۸۷ سوره اعراف، تبیین و یاران خود را به صبر و پایداری در نبرد دعوت می‌نمودند (تفقی کوفی، ۱۳۷۳: ۱۸۶ و ابن‌اعثم، ۱۳۷۲: ۶۶۰) از سخنان ایشان است درباره صبر که می‌فرمایند: «از جمله کارها، هیچ کار بهتر از صبر نیست، علی‌الخصوص در موقف مبارزت و محاربت» (سیدرضی، ۱۳۷۸: ۶۶۲) و معتقد بودند که پس از صبر، نصرت حاصل می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۵: ۶/۲۵۳۰). امام علی علیه السلام بر این عقیده بودند که حق دست یافتنی نیست، مگر با صبر و جدیت (دینوری، ۱۳۸۰: ۱۷۷) و با استناد به آیه ۱۶ سوره احزاب، افراد خود را از فرار از نبرد برحذر می‌داشتند (ابن‌اعثم، ۱۳۷۲: ۵۴۴).

در آیه ۴۵ سوره انفال دستور مهمی وجود دارد که بار سنگینی بر دوش انسان می‌گذارد؛ فرمان به استقامت. استقامت که به معنی طلب قیام است یعنی در خود آن چنان حالتی ایجاد کن که سستی در تو راه نیابد، چه فرمان سخت و سنگینی؟

به هر حال، این تنها دستوری برای دیروز نبود؛ بلکه برای امروز و فردا نیز هست. بدون به کار بستن این اصول، پیروزی بر دشمنانی که از هر سواز داخل و خارج ما را احاطه کرده‌اند و از تمام وسائل فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و نظامی بر ضد ما بهره‌گیری می‌کنند، امکان پذیر نمی‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹/۲۵۸-۲۵۹).

امام نیز به تاسی از این آیه می‌فرماید: این آیه شریفه در دو جای قرآن هست: یکی در سوره شوری، یکی در سوره هود. تفاوت آیه در سوره «هود» و سوره «شوری» این است که آنجا وَ اسْتَقِمْ کَمَا اُمِرْتَ است، اینجا فَاسْتَقِمْ کَمَا اُمِرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ است. (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۶/۳۰۰)

شراء نفس از جمله مواردی بود که رهبران جامعه اسلامی برای تحریض به نبرد و وعده پیروزی در دنیا و آخرت از آن استفاده می‌کردند. اساس این عمل مربوط به آیه ۱۱۱ سوره توبه است. در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به بهای اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است. این آیه از نوع کنش گفتاری اظهاری در ظاهر و ترغیبی در باطن است.

امام خمینی دو بار به این آیه استناد نمودند (همان: ۱۶/۱۹۸ - ۱۰/۱۰)

در تاریخ صدر اسلام شراء نفس بدین معنی بود که کسانی با دشمن می‌جنگیدند و خود را فدا می‌کردند. کاربرد این واژه از آنرو است که چنین شخصی با توجه به آیه ۱۱۱ سوره توبه، جان خود را به خاطر عقیده خویش و در راه خدا و در قبال بهشت می‌فروخت. گروهی از خوارج را نیز شُرَاة می‌خواندند که جمع شاری است و این بدان خاطر بود که می‌گفتند ما جان‌های خود را در راه اطاعت از خداوند و در قبال بهشت می‌فروشیم (بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۲۶). البته این اصطلاح تنها در میدان نبرد به کار برده نمی‌شود. چراکه اقدام علی علیه السلام از جمله مواردی است که در اشاره بالا به حساب نمی‌آید. ایشان در شب هجرت پیامبر ﷺ و در بستر ایشان خوابید و آیه ۲۰۷ سوره بقره در شان ایشان نازل شد (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱/۳۱۶).

امام خمینی نیز به این آیه استناد داشتند. ایشان می‌فرمایند: «عزیزان من، حفظ کنید این نعمت را؛ خداوند به شما یک همچو نعمتی داده است که شما را با عنایت ذاتی خودش، با دست غیبی خودش متحول کرده است به انسان‌های خالص برای خود، و انسان‌هایی که

جان و هر چه دارند، در راه خدا ایثار می‌کنند و إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَّهُمُ الْجَنَّةَ آن جنتی که مشتری به شما عطا می‌کند، با جنتی که برای دیگران تحقق پیدا می‌کند، فرق دارد. امیدوارم که این جنت، جنت لقاء باشد» (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۶/۱۹۸).

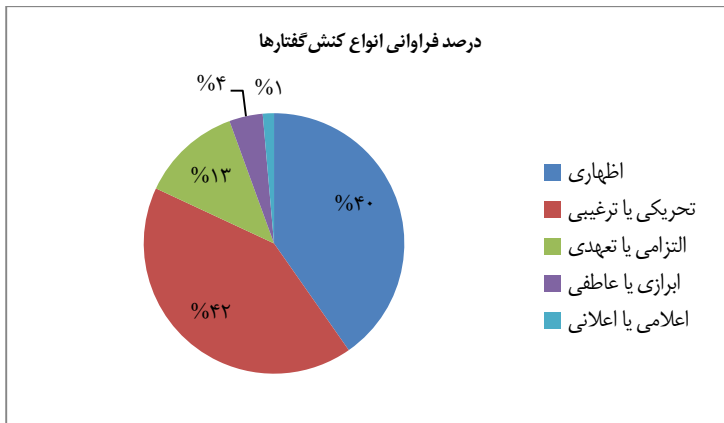
آیه ۱۲۶ سوره آل عمران، از گونه آیات اظهاری- تعهدی در ظاهر و ترغیبی در باطن است. امام پنج بار به این آیه استناد داشتند (همان: ۱۶/۱۵۵ و ۲۵۷ و ۲۶۷؛ ۱۷/۱۸ و ۳۹۰). بافت تاریخی آیه دقیقاً مشخص نیست. اما امام خمینی در بیانات خود با استناد به این آیه چنین می‌فرمایند: «همه باید بدانیم که تمام امور و از آن جمله فتح و نصر به دست خداوند متعال است. ... باید توجه داشته باشیم که در این فتح مبین و سایر فتوحات، غرور به قدرت خویش پیدا نکنیم و شیطان نفس بر ما غلبه نکند، که غرور موجب سردی و سستی می‌شود» (همان: ۱۶/۱۵۵-۱۵۶) و در مورد دیگر می‌فرمایند: «برادران محترم و نور چشمان عزیز! مبدا آفت‌های پیروزی که در رأس آنها غرور است، خدای ناخواسته شما را به دام کشد و از صاحب اصلی «نصر» که خداوند قادر است، اغفالتان نماید، که این حيله‌ای است شیطانی که دنبال آن علاوه بر از دست رفتن معنویت که اساس پیروزی شما عزیزان است، موجب غفلت از حيله‌های دشمنان نیز می‌باشد که شکست را همراه دارد. باید شما قوای نیرومند مسلح و ملت عظیم الشان پشتیبان شما از تبلور جلوه قدرت الله در خود هیچ‌گاه غافل نشوید و مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا شاهد آن است» (همان: ۱۶/۲۶۷).

۴. نوع کنش‌های گفتاری استنادات امام خمینی به آیات قرآن کریم

بیشترین کنش گفتاری استنادات امام خمینی به آیات قرآن کریم کنش ترغیبی با بیشترین فراوانی ۴۱/۶۶ درصد و پس از آن کنش گفتاری اظهاری با ۴۰/۲۷ درصد و در رتبه سوم کنش تعهدی با ۱۲/۵ درصد و کنش گفتاری عاطفی با ۴/۱۶ درصد و در نهایت کنش اعلامی با ۱/۳۸ درصد، کمترین فراوانی را در بین کنش‌های گفتاری امام خمینی به خود اختصاص دادند.

جدول شماره ۱: انواع کنش گفتارها در استنادات قرآنی پیش از انقلاب امام خمینی*

ردیف	اظهاری	تحریکی یا ترغیبی	التزامی یا تعهدی	ابرازی یا عاطفی	اعلامی یا اعلانی	جمع کل
تعداد	۲۹	۳۰	۹	۳	۱	۷۲
درصد	۴۰٫۲۷	۴۱٫۶۶	۱۲٫۵	۴٫۱۶	۱٫۳۸	۹۹٫۹۷



نمودار شماره ۱: درصد فراوانی انواع کنش گفتارها

در ذیل به صورت مختصر، آیات، کنش‌های گفتاری و کنش‌های غیر مستقیم و بافت تاریخی آیات نشان داده شده است.

جدول شماره ۲: کنش‌های گفتاری مستقیم و غیر مستقیم استنادات قرآنی امام خمینی*

کنش گفتارهای غیر مستقیم	کنش‌های گفتاری آیات	آیه
ترغیبی	اظهاری- ترغیبی- اظهاری- ترغیبی- ترغیبی- اظهاری- عاطفی	وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتِلُوا فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا ۚ إِنَّ بَغْضَ إِيْدَاهُمَا إِلَىٰ أُخْرَىٰ فَكَانُوا الَّتِي يَبْغَىٰ حَتَّىٰ تَفَىٰ إِلَىٰ يَمْرِئِهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ
ترغیبی	ترغیبی- اظهاری	سوره آل عمران، آیه ۱۶۹: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»
ترغیبی	ترغیبی	ما كُنتُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ سوره نساء، آیه ۷۵

ترغیبی	ترغیبی	وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً سوره توبه، آیه ۳۶
ترغیبی	ترغیبی - ترغیبی - ترغیبی	إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ بخشی از آیه ۷ سوره محمد ﷺ
ترغیبی	اظهاری	أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا وَ أَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ سوره توبه، بخشی از آیه ۹۷
ترغیبی	ترغیبی - ترغیبی	كَيْبِلًا تَأْسُوا عَلَيْكَ مَا فَانَكُومُ وَ لَا تَكْرُحُوا بِمَا آتَاكُمْ سوره حدید، آیه ۲۳
ترغیبی	ترغیبی - اظهاری - اظهاری - تعهدی - اظهاری	قَاتِلُوهُمْ وَعَدِّبْهُمْ لِيَلِيَهُ بَأْيْدِكُمْ وَ يُرْهَبُوا وَ يَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَ يَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ سوره توبه، آیه ۱۴
ترغیبی	ترغیبی - اعلامی - ترغیبی - ترغیبی - ترغیبی	قُلْ إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَ فُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا - سوره سبأ، آیه ۴۶
ترغیبی	ترغیبی - اظهاری - اظهاری	وَ مَا زَمَيْتَ إِذْ زَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ زَمَى بخشی از آیه ۱۷ سوره انفال
ترغیبی	اظهاری	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ بخشی از آیه ۱۰ سوره حجرات
ترغیبی	ترغیبی - ترغیبی	وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا بخشی از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران
ترغیبی	ترغیبی - ترغیبی - اظهاری	لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ يَكْتَسِبَ رِجْسًا سوره انفال، آیه ۴۶
ترغیبی	اظهاری	كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ. سوره بقره، آیه ۲۴۹
ترغیبی	ترغیبی	وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ- أَنْفُسِهِمْ اشاره است به آیه ۲۰ سوره توبه
ترغیبی	عاطفی	إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ سوره صف، آیه ۴
ترغیبی	اظهاری	وَإِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ سوره توبه، آیه ۱۱۱
ترغیبی	تعهدی	مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ بخشی از آیه ۱۲۶، سوره آل عمران
ترغیبی	تعهدی - تعهدی - تعهدی	مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ بَخْشَى از آیه ۱۲۶ سوره

		<p>آل عمران و نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ بَخْشِي از آیه ۱۳ سوره صف وَ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا سوره فتح، آیه ۱</p>
اعلامی	<p>اظهاری- اظهاری- اظهاری- اظهاری</p>	<p>يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُيَمِّمَ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ سوره توبه، آیه ۳۲</p>
ترغیبی	<p>ترغیبی- ترغیبی</p>	<p>فَأَسْتَقِيمُ كَمَا أَمَرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ سوره هود، آیه ۱۱۲</p>
ترغیبی	<p>اظهاری- اظهاری- اظهاری</p>	<p>وَ مَكَرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ. سوره آل عمران، آیه ۵۴</p>
ترغیبی	<p>ترغیبی- اظهاری</p>	<p>وَ ذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ. سوره ذاریات، آیه ۵۵</p>
ترغیبی	<p>اظهاری</p>	<p>رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ سوره احزاب، آیه ۲۳</p>
ترغیبی	<p>اظهاری- اظهاری</p>	<p>سَلَامٌ بِيَكَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ سوره رعد، آیه ۲۴</p>
ترغیبی	<p>ترغیبی- ترغیبی</p>	<p>فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي سوره فجر، آیه ۲۹ و ۳۰</p>
ترغیبی	<p>عاطفی</p>	<p>. يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا. بخشی از آیه ۷۳ سوره نساء</p>
ترغیبی	<p>تعهدی</p>	<p>حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ. سوره مائده، آیه ۵۶</p>
ترغیبی	<p>تعهدی</p>	<p>فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ - بخشی از آیه ۱۰۰ سوره نساء</p>
ترغیبی	<p>ترغیبی- اظهاری- تعهدی</p>	<p>قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَ عَشِيرَتُكُمْ وَ أَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَ تِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَ مَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ</p>
ترغیبی	<p>اظهاری- اظهاری- تعهدی</p>	<p>وَ مَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا بخشی از آیه ۷۴ سوره نساء</p>

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش پس از ارزیابی استنادات قرآنی امام خمینی علیه السلام در بین سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷، در چارچوب نظریه کنش‌گفتاری سرل، به نتایج زیر دست یافت.

قرآن به عنوان یک منبع الهام بخش و یک پشتوانه معنوی و روانی بسیار قوی برای رهبران دینی و نیز مردم مسلمان تلقی می‌شود که در شرایط سخت می‌تواند مورد تمسک قرار بگیرد. با توجه به فراوانی کنش‌گفتارهای ترغیبی در بین کنش‌های گفتاری امام خمینی علیه السلام، ایشان سعی داشتند عوام و خواص را به دفاع از میهن در مقابل دشمن متجاوز بعثی ترغیب نمایند. بدین سبب، بیشترین کنش‌گفتاری مستقیم در استنادات امام خمینی علیه السلام به آیات قرآن کریم، مربوط به کنش‌های ترغیبی است. ایشان همچنین با استفاده از کنش‌های گفتاری اظهاری، شرایط را برای مردم تشریح و مردم را هر چه بیشتر آگاه می‌کردند.

امام علیه السلام به خوبی می‌دانست که لازمه دفاع از کشور و نظام نوپا، ایجاد انگیزه و جسارت در میان توده مردم مسلمان است. از این رو ایشان علاوه بر مراتب پیش گفته، به کنش‌گفتارهای تعهدی هم توجه لازم را داشتند تا در مردم نسبت به مساله دفاع از کشور، تعهد ایجاد کنند.

امام خمینی علیه السلام به عنوان رهبر انقلاب و نظام نوپای اسلامی، تلاش می‌کرد برای پیشبرد اهداف دینی خود و اثبات حقانیت مسیری که در پیش رو داشت، از استنادات قرآنی استفاده کند. ایشان با استفاده به‌جا از آیات قرآن، دفاع از میهن اسلامی را از یک مسئله دولتی به یک وظیفه دینی و جهادی تبدیل کرده بودند.

امام خمینی علیه السلام به عنوان رهبر سیاسی و معنوی پیوسته قدردان تلاش‌های نیروهای نظامی و دفاعی بودند.

منابع:

قرآن کریم.

ابن اعثم کوفی (۱۳۷۲) الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

ابن هشام (۱۳۷۵) زندگانی محمد ﷺ پیامبر اسلام، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران، انتشارات کتابچی.

احمدی نرگسه، رحیم و بهمن گرجیان محمود نقی زاده سید حسام‌الدین حسینی (۱۳۹۷) کارگفت‌های ترغیبی در قرآن کریم، پژوهش‌های ادبی - قرآنی سال ششم تابستان شماره ۲ (پیاپی ۲۲).

امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران. امام خمینی، روح‌الله، ولایت فقیه (حکومت اسلامی - ویرایش جدید)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - تهران.

بلاذری أحمد بن یحیی (۱۳۳۷) فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، نشر نقره، تهران. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین بیهقی (۱۳۶۱) دلائل النبوة، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

توبه یانی، ابراهیم و سید عبدالمجید طباطبایی لطفی و روح‌الله رضایی (۱۳۹۸). تحلیل کنش‌های کلامی وصیت‌نامه امام خمینی ﷺ بر اساس مدل سرل و آستین، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۲۲، شماره ۸۶.

ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد (۱۳۷۳)، الغارات و شرح حال اعلام آن، ترجمه عزیز الله عطاردی، انتشارات عطارد.

حسینی شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد (۱۳۶۳)، تفسیر اثنا عشری، انتشارات میقات، تهران.

دست‌آموز، سعیده، محمدرضا محمدی (۱۳۹۵) بررسی تاثیر کنش‌های گفتاری غیر مستقیم با ساختار پرسشی بر روند گفت و گو از منظر زبان روسی، دو ماهنامه جستارهای زبانی، د ۷ ش ۱ (پیاپی ۲۹) فروردین و اردیبهشت صص ۳۹-۵۷

دینوری، ابن قتیبة (۱۳۸۰) امامت و سیاست (تاریخ خلفاء)، ترجمه سید ناصر طباطبایی، ققنوس، تهران.

ذکاوتی قراگزلو علیرضا (۱۳۸۳) اسباب النزول (ترجمه ذکاوتی)، نشر نی، تهران.

- سرل، جان آر (۱۳۸۷) افعال گفتاری، جستاری در فلسفه زبان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سید رضی (۱۳۷۹) نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ناشر مشهور. قم.
- صانعی پور، محمدحسن (۱۳۹۰) مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم، تهران: دانشگاه امام صادق.
- صفوی، کوروش، (۱۳۸۷) درآمدی بر معنی شناسی، تهران، سوره مهر.
- طباطبایی سید محمد حسین (۱۳۷۴) تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی فضل بن حسن (۱۳۶۰)، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، ترجمه مترجمان، انتشارات فراهانی، تهران.
- طبرسی، احمد بن علی، (۱۳۸۱) احتجاج، -ترجمه بهراد جعفری، اسلامیه - تهران.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵) تاریخ طبری، ترجمه: ابو القاسم پاینده، نشر اساطیر، تهران.
- عابدینی، جواد ۱۳۹۹، سرل و علوم انسانی، تحلیل فلسفی واقعیت اجتماعی از دیدگاه جان سرل و پیامدهای آن برای علوم انسانی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عبداللهی، محمدعلی (۱۳۸۴) پژوهش‌های فلسفی - کلامی ۱۳۸۴ شماره ۲۴.
- قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱) قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ ششم.
- قمی، علی (۱۳۶۷) بن ابراهیم، تفسیر قمی، دار الکتب - قم، چاپ چهارم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ اول.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۳) سیری در اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی، نشر عروج نور.
- نصرین مزاحم منقری (۱۳۷۰)، پیکار صفین، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- واقدی، محمد بن عمر واقدی (۱۳۶۹) مغازی تاریخ جنگ-های پیامبر ﷺ، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۱)، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح (۱۳۷۱) تاریخ یقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی